



دی‌دگاه

شماره: ۰۳۲	موضوع: کاهش رشد جمعیت مضر است یا مفید؟
تاریخ: ۱۳۹۰/۰۹/۰۵	

تهیه و تنظیم: احمد اخوی

توضیح اجمالی:

نرخ رشد جمعیت همواره از مهمترین چالش‌های جوامع بوده است. زمانی مالتوس نسبت به آینده هولناکی که با توجه به رشد جمعیت در انتظار انسان بود فریاد می‌زد و با این استدلال که اگر جمعیت با نرخ رشد تصاعدی هندسی خود به افزایش ادامه دهد درمقایسه با نرخ رشد تصاعد حسابی تولیدات کشاورزی که پایه خوراکی‌های انسان را تشکیل می‌دهند شکافی بوجود می‌آورد که هر روز بیشتر خواهد شد و قحطی و گرسنگی دامان دنیا و بویژه کشورهای کم‌درآمد را خواهد گرفت. رشد جمعیت اما در اغلب نظریه‌های رشد و توسعه به عنوان منابع انسانی پایه رشد اقتصادی مورد توجه قرار گرفته و جوان‌گرایی و توانمندسازی جمعیت مورد تحسین واقع شده است. به این ترتیب، امید به آینده‌ای بهتر و رفاه بالاتر برای نسل‌های آینده‌جانشین یا س مالتوسی شد. با وجود این، واقعیت موجود حاکی از نرخ رشد منفی جمعیت (بالاتر بودن نرخ مرگ و میر از زاد و ولد) در کشورهای پیشرفته اروپائی درمقایسه با نرخ رشدهای بالای ۲ درصد کشورهای آسیائی و آفریقا است. به طوری که گویا جوامع پیشرفته صنعتی رفاه بالاتر جمعیت کمتر را بر رفاه کمتر جمعیت بیشتر ترجیح می‌دهند و جوامع توسعه نیافته به عکس.

طبق اعلام اولین نتایج کلی سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰ نرخ رشد جمعیت کشور در حال کاهش است و این امر می‌تواند خطر بزرگی برای توسعه پایدار تلقی شود!

نکات کلیدی:

بنابه گزارش مرکز آمار ایران رشد جمعیت از ۱/۹۶ درصد در سالهای ۱۳۷۵-۸۵ به ۱/۶۱ در سال ۱۳۸۵ و ۱/۴ در سال جاری کاهش داشته است. رشد خالص مثبت، جمعیت کشور را افزایش می‌دهد. بالاتر بودن نرخ مهاجرت به خارج موطن اصلی باعث کاهش جمعیت است و بعکس. کاهش نرخ رشد جمعیت یا ناشی از کاهش نرخ رشد طبیعی و یا ناشی از افزایش مهاجرت به بیرون نسبت به مهاجرت به درون است. از عوامل اصلی کاهش رشد طبیعی جمعیت تجزیه خانواده‌های مولکولی به خانواده‌های اتمی یا کوچک شدن مقیاس است که نتیجه عملی آن افزایش هزینه سرانه خانوار و بویژه چالش هزینه مسکن، آموزش و بهداشت می‌باشد. زوجها به این دلیل به کم‌فرزندی و کاهش مسئولیت تشویق می‌شوند که اینک افزایش آزادی و رفاه ناشی از کم‌فرزندی در چارچوب تفکر فردگرایی و رحجان رفاه فردی و لذت‌های شخصی به عنوان توجیه فلسفی به ترویج آن کمک می‌کند.

قانون شرع مقدس اصل را بر رفاه جامعه اسلامی و تقدم رضایت خداوند بر رفاه طلبی فردی قرار می‌دهد و چندان موافق جلوگیری و کنترل برنامه ریزی شده جمعیت نیست. بلکه، توسعه اسلام‌خواهی و گسترش شریعت با رشد جمعیت و تحقق توسعه ملازمه دارد. در فلسفه اسلام دولت باید بست‌های رشد جسمی و فکری و افزایش ظرفیت علمی و پیشرفت نسل آینده را با توجه به حفظ سلامت و رفاه نسل فعلی تأمین کند.

از عواملی که به رشد عملی جمعیت کمک می‌کند پرداخت‌های انتقالی بر اساس جمعیت خانوار است. کمک هزینه عائله‌مندی، یارانه نقدی، هدیه دولت به نوزادان جدید، علاقه خانواده‌ها به جور بودن جنسی فرزندان، کاهش شهرنشینی و تمرکز از عوامل رشد بالاتر جمعیت اند.

جمعیت بالاتر از این لحاظ که به معنای افزایش منابع انسانی و نیروی کار می‌باشد از قدیم‌ترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی بوده و هست. اما از این لحاظ که جوامع فعلی با دسترسی به رسانه و اطلاعات کافی بسیار بیش از پتانسیل تولید و عرضه، پتانسیل مصرف و رفاه دارند معیار "حکمرانی خوب" دولت‌ها را مجبور به دخالت‌های زیاد و افزایش هزینه می‌کند و لذا قریب به اتفاق دولت‌ها برنامه‌ریزی جمعیت را راهی برای کمک به رفاه و کیفیت زندگی جمعیت موجود می‌دانند. به این لحاظ اگر چه متوسط سنی جمعیت افزایش پیدا می‌کند و به لحاظ نیروی کار جوان، جامعه زیان می‌بیند اما چون منابع مادی و معنوی بیشتری صرف سرانه جمعیت برای آموزش و تحقیق می‌شود حجم سرمایه انسانی افزایش پیدا می‌کند. به این ترتیب، سرمایه انسانی و به موازات آن سرمایه اجتماعی - در مقابله با کاهش نیروی انسانی افزایش می‌یابد. در این شرایط دستاوردهای فنی و تخصصی حاصل از انباشت دانش و تحقیق و توسعه - یا همان تحقیق، نوآوری و پیاده‌سازی - چنان چشمگیر است که نه تنها کاهش رشد جمعیت را جبران می‌کند بلکه به مراتب بیشتر. ضمن اینکه می‌توان از ترکیب و مهندسی آن دو یعنی رشد جمعیت و رشد حکمت و فنون (فناوری) سناریوهائی نیز نوشت که رتبه‌ای هم تراز یا حتی بالاتر داشته باشند.

تأیید رئیس گروه مشاوران:	تأیید رئیس مؤسسه:
--------------------------	-------------------